



دوفصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهراء (س)  
سال بیست و پنجم، دوره جدید، شماره ۱۶، پیاپی ۱۰۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۴

## سنت‌ها، آموزش و بیداری اجتماعی زنان: تحلیل تاریخی رویکرد "ملا نصرالدین" به مسئله زنان

عباس قدیمی قیداری<sup>۱</sup>

زهرا کاظمی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۵/۳/۲۳

تاریخ پذیرش: ۹۵/۵/۲۱

### چکیده

وجه اشتراک جوامع اسلامی در مواجهه با غرب احساس ناتوانی و عقب‌ماندگی شده‌بیدی بود که همراه خود چالش‌های فکری زیادی در عرصه‌های گوناگون از جمله زنان ایجاد کرد. به‌طوری‌که غالب جریان‌های روشنفکری به‌ویژه روزنامه‌های انتقادی به لزوم تغییر وضع زنان و آگاهی آنان تأکید و خواستار اصلاحات ترقی‌خواهانه در جامعه و وضعیت اجتماعی زنان شدند. در این بین، روزنامه تجدیدطلب ملانصرالدین در طرح و پیگیری مسئله آزادی و حمایت از حقوق زنان در جوامع اسلامی به‌ویژه ایران پیش‌تاز بود. این روزنامه با طرح انتقادی مسائل

<sup>۱</sup> دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تبریز؛ ghadimi@tabrizu.ac.ir

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه تبریز؛ kazemi.zahrat@gmail.com



مربوط به حوزه زنان، توسعه جوامع اسلامی را در پیوند با تغییر وضع زنان ارزیابی می‌کرد. نویسندگان این روزنامه انتقادی پیشرو، راه برون‌رفت از وضعیت سنتی را در مسئله آموزش و به تبع آن در آگاهی و احقاق حقوق زنان را در گرو توجه به حقوق زنان و تصریح آن در قانون اساسی جوامع اسلامی و لزوم بازنگری در دیدگاه‌های سنتی و تجدیدنظر در مبانی آن و به ویژه خوانش جدید متون مذهبی می‌دانستند. تحلیل محتوای روزنامه ملانصرالدین، چاپ تفلیس در پنج سال نخست (۱۳۲۸-۱۳۲۴ ه.ق) در حوزه مسائل زنان روش مناسبی است که می‌تواند تصویر روشنی از وضع عمومی زنان ایران و جوامع مسلمان در آغاز قرن بیستم و نخستین گفتمان‌های انتقادی از وضع زنان به دست دهد.

**واژگان کلیدی:** آموزش، بیداری اجتماعی، جامعه سنتی، حقوق زنان،

روزنامه ملانصرالدین.

## مقدمه

جوامع مسلمان شرق و به طور مشخص ایران عصر قاجار و عثمانی در آستانه قرن بیستم جوامعی بودند با ساخت سیاسی استبدادی و گرفتار در انقباض و انسداد اجتماعی و فرهنگی. بخشی از این فروبستگی به وضع زنان به عنوان نیمی از جمعیت جامعه برمی‌گشت که هیچ حق و حقوق اجتماعی نداشتند و البته جامعه هم به جهت ساخت و موقعیت بسته خود، آشنایی و اعتقادی به حقوق زنان نداشت. تنها در مواجهه با غرب و دستاوردهای فکری آن بود که مسئله زن در برخی جوامع اسلامی مطرح گردید. به عبارت دیگر، آشنایی مشرق‌زمین با جریان مدرنیته منجر به تغییر در رویکرد به مسائل زنان و بازاندیشی در مفهوم زن سنتی گشت. در این نگاه گسترش و تحقق مدرنیته جز با نقد وضعیت موجود زنان و مقایسه آن با زنان غربی امکان‌پذیر نمی‌شد. این مقایسه منجر به بازنگری «زن خودی» و برداشت‌های متفاوت از آن شد به طوری که در مقام پاسخ‌گویی مقوله‌هایی همچون آموزش، حق رأی و آزادی زنان شکل پذیرفت (توکلی، ۱۳۸۲: ۱۳۱). بر این پایه،

وضع زنان و نگاه سنتی حاکم بر آن مردود تلقی شد. با نهضت مشروطه این روند سرعت بیشتری به خود گرفت، به طوری که توجه به حقوق زنان به مهم‌ترین کلیدواژه‌های مطبوعات این دوره به‌ویژه نشریات انتقادی چون *ملانصرالدین* تبدیل شد. روزنامه *تجدد* طلب *ملانصرالدین* به‌عنوان یکی از تأثیرگذارترین نشریات عصر مشروطه در طول سال‌های ۱۹۰۶ تا ۱۹۳۱ میلادی با چندین وقفه به مدیریت محمد جلیل قلی‌زاده در تفلیس، تبریز و باکو انتشار یافت. *ملانصرالدین* با رویه اجتماعی انتقادی خود احکام و مسائل مربوط به زنان را به‌عنوان بخشی از سنت و دین مورد نقادی قرار داد و توانست از همان نسخه‌های آغازین خود در مناطق مختلف به‌ویژه ایران با اقبال وسیعی مواجه شود (کسروی، ۱۳۵۳: ۱۹۱). به‌علاوه *ملانصرالدین* بر شیوه روزنامه‌نگاری دوره مشروطیت تأثیر گذاشت و از لحاظ اسلوب و محتوا الگوی روزنامه‌هایی چون *صوراسرافیل*، *آذربایجان*، *نسیم شمال* و چندین روزنامه دیگر شد (آرین‌پور، ۱۳۵۰: ۸۶؛ کسروی، ۱۳۵۳: ۲۶۹-۲۷۱). *ملانصرالدین* بیشترین تأثیر را بر روزنامه *صوراسرافیل* داشت به طوری که همخوانی دیدگاه و نگرش *صوراسرافیل* با *ملانصرالدین* آن را به متحد طبیعی *ملانصرالدین* تبدیل کرد (klyashtorina, 1960:18).

*ملانصرالدین* را می‌توان از پیشگامان و مدافعان جدی حقوق زنان دانست که با آگاهی از پس‌زمینه‌های فکری حاکم درباره جایگاه زنان و غلبه آن در جوامع سنتی سعی داشت با انتقادهای خود آنان را به بازاندیشی و تغییر در این زمینه ترغیب نماید. محتوای روزنامه *ملانصرالدین* در ارتباط با مسائل زنان را می‌توان از دو منظر دفاع از حقوق زنان (نقد رادیکال دیدگاه‌های سنتی) و نقد فرهنگ سنتی و خرافی حاکم بر تفکر زنان بررسی کرد. در سال‌های اخیر محققان به موضوع تاریخ‌نگاری زنان توجه زیادی داشته‌اند به طوری که تحقیقاتی به همت بدرالملوک بامداد، عبدالحسین ناهید و منصوره اتحادیه و دیگران صورت گرفته است. قابل ذکر است این آثار عمدتاً محدود به توصیف و ترسیم نقش و فعالیت‌های زنان در انقلاب مشروطه ایران و تک‌نگاری‌هایی در این باره است و مسئله جایگاه و وضعیت زنان در شرق و طرح مباحث دفاع از حقوق زنان و جایگاه زن در اندیشه نوگرایان مورد توجه قرار نگرفته است، به‌ویژه آنکه خلأ قابل توجهی در تحقیق

دربارهٔ روزنامه پرآوازه ملانصرالدین و رویکرد آن به مسئلهٔ زنان وجود دارد. در حالی که در ایران نوگرایان به مسئلهٔ حقوق زنان و دفاع از آن بی‌توجه ماندند، ملانصرالدین در قفقاز با مقاومت در برابر دیدگاه سنتی حاکم بر جوامع شرقی، با باور به حقوق زنان به طرح و دفاع صریح و قاطع از حقوق زنان پرداخت. بررسی جامع این مسئله برای نخستین بار در این مقاله مبحث جدیدی است که می‌تواند راهگشای مؤثری در فهم صحیح و عمیق مسائل زنان در دوره مشروطه باشد. با توجه به نقش مهم ملانصرالدین در دفاع از حقوق زنان در شرق این نوشتار درصدد تبیین گفتمان و رویکرد ملانصرالدین به مسئلهٔ زنان و دفاع از حقوق آنان است و می‌کوشد با استفاده از روش تحلیل محتوا نشان دهد چرا ملانصرالدین زنان و حقوق آنان را به عنوان یک مسئلهٔ محوری مورد توجه قرار داد و چه مؤلفه‌هایی از نوگرایی را در باب مسائل زنان و دفاع از حقوق آنان مطرح کرد؟

### دفاع از حقوق زنان و نقد دیدگاه‌های سنتی

به‌حاشیه‌راندن زنان، نتیجه نگاه سنتی به زنان در شرق در آغاز قرن نوزدهم بود. در این فرهنگ، زنانگی مقبول با زایش، زن خانه‌دار بودن، تربیت فرزندان، حرف‌شنوی و اطاعت محض از همسر و سکوت و سکون معنی می‌یافت و تسلط مردان بر زنان تضمین می‌شد. از سوی دیگر ازدواج دختر بچه‌ها بسیار رایج و طلاق حقی مردانه بود و هر مرد به شکل سنتی اجازه داشت تا چهار زن اختیار کند. موقعیت زنان در خانه شوهر چندان استوار نبود، احتمال این می‌رفت که مرد با پیش‌خدمتانی که در منزل کار می‌کردند ازدواج کند و نیز هر قدر بخواهد زن صیغه‌ای داشته باشد (ملانصرالدین، س ۵، ش ۲۱: ۸). این وضعیت برای نواندیشانی که در اندیشه پیشرفت بودند، غیرقابل قبول و نیازمند بازنگری بود.

در اندیشه ملانصرالدین به عنوان مدافع تجدد، تغییرات بنیادین اجتماعی و سیاسی در یک جامعه بسته امکان‌پذیر نبود مگر با تغییر در وضعیت زنان. زنان جامعه نمونهٔ ملانصرالدین محصور در نظام سنتی بودند و حق حاکمیت بر سرنوشت خویش نداشتند. در چنین شرایطی ملانصرالدین مبلغ اندیشه لزوم دگرگون‌سازی وضعیت زنان گردید. دگرگونی از مجاری آموزش صورت می‌گرفت و آموزش بنیاد اصلاح اجتماعی و

فرهنگی بود. ملانصرالدین به درک ضرورت ایجاد تحول در زمینه زنان و حقوق آنان رسیده بود و آشکارا یکی از وظایف خود را دفاع از حقوق زنان می‌دانست (ملانصرالدین، س ۲، ش ۴۵: ۲-۳) و بدین علت نگاه سنتی به زن را مورد انتقادات شدید قرار داد. این در حالی بود که در ایران پرداختن به موضوع زنان از جانب نوگرایان به دلیل هراس از واکنش احتمالی سنت‌گرایان چندان مورد توجه قرار نگرفت (عاملی، ۱۳۸۹: ۱۷). تأکید بر آموزش زنان، اعتراض به پدیده کودک‌همسری، عدم حق طلاق زنان، وجود چند همسری، صیغه، عدم تساوی زنان و مردان، محروم‌بودن زنان از حق مالکیت و حق انتخاب و رأی و حتی انتخاب‌شدن، از جمله مسائل محوری بود که ملانصرالدین در پیوند با مسئله زنان بر آن تأکید داشت.

### آموزش و توانمندسازی زنان

یکی از دغدغه‌های ملانصرالدین مسئله آموزش زنان بود. از این رو ترغیب می‌کرد زنان در آموزش و تربیت بکوشند. این در حالی بود که جامعه سنتی به شدت با علم به ویژه سوادآموزی زنان مخالفت می‌کرد و آن را عامل اشاعه فساد در جامعه می‌دانست. از نظر آنان زنان نیازی به سوادآموزی نداشتند (ملانصرالدین، س ۱، ش ۲۳: ۳). این در حالی بود که زنان مقهور بی‌سوادی و به تبع آن خرافه بودند (ملانصرالدین، س ۲، ش ۲۷: ۷). در نگاه جامعه سنتی این سؤال مطرح بود که اگر «فاطمه‌ها و زهراها» به مکتب‌ها بروند چه بهره‌ای از آن به دست می‌آورند؟ و آیا غیرت مردان راضی می‌شود که آنان با «جبر و جغرافیا» سرکار داشته باشند؟ از نظر آنان با تحصیل دختران کارها رو به خرابی می‌رود و جامعه نمی‌تواند بپذیرد که زنان به تحصیل بپردازند. بنابراین سخت در مقابل این پدیده نوظهور مقاومت می‌نمودند؛ «یوق! یوق! اولامماز، بیله ظرافت! بردار ایده نمز بوننی ملت قیزلار سراسر بیلسون کتابت؟ ایتمز جماعت بویله قباحت کیم خارجیلر ایستسون شماتت التوبه التوبه استغفرالله»<sup>۱</sup> (ملانصرالدین، س ۴، ش ۱۵: ۴).

<sup>۱</sup> نه نه! چنین شوخی نمی‌شه کرد، ملت نمی‌تونن قبول کنند که دختران کتابت یاد بگیرند، مردم چنین قباحتی را انجام نمی‌دهند، خارجی‌ها کی هستند بزار ما رو شماتت کنند التوبه التوبه استغفرالله.

آموزش زنان حتی در بین طیفی از آنان با مخالفت‌هایی مواجه بود، به طوری که یکی از زنان در نامه‌ای، با ابراز حیرت از رسوخ عادات جدید در بین مسلمانان، مدرسه رفتن زنان را خلاف عقل دانست و با اظهار تعجب این سؤال را مطرح کرد که دختران مسلمان مثل دختران ارمنی و روسی به مدرسه بروند؟ از این منظر وقوع بلایای طبیعی و رویدادهای نظامی منطقه بی‌ارتباط با مدرسه رفتن دختران و خرق عادت نبود (ملانصرالدین، س ۱، ش ۲۹: ۶).

در این دوره، این تصور وجود داشت که تعلیم و تربیت زنان باعث شیوع فساد اخلاقی خواهد شد (میر هادی، ۱۳۹۳: ۶۳). با انعکاس اخبار راه‌اندازی مجالس تئاتر و بازیگری زنان تحصیل کرده مسلمان در بعضی از نقاط (ملانصرالدین، س ۵، ش ۳: ۳) ترس از بریدگی از سنت‌ها روزه‌روز بیشتر احساس می‌شد. در چنین شرایطی، ملانصرالدین بر لزوم تحصیل دختران و افتتاح مدارس دخترانه تأکید و آن را «عملی واجب» دانست و حتی تحصیل دختران را مقدم و مهم‌تر از آموزش پسران داشت؛ چرا که تربیت فرزندان و نسل آینده در «دست مادران» بود (ملانصرالدین، س ۴، ش ۲۸: ۶). در کارپیکاتوری ملانصرالدین تأکید کرد که ملاک ارزش دختران جوان، برخلاف گذشته نه در جلوه‌های ظاهری، بلکه در علم آگاهی است (ملانصرالدین، س ۵، ش ۳۷: ۱). از نظر روشنفکران این دوره زنان تحصیل کرده همسرانی متعهدتری خواهند بود و فرزندان و شهروندان بهتری برای ملت تربیت خواهند کرد (آفاری، ۱۳۷۹: ۲۶۱). پس برای تحقق این امر باید زنان ابتدا توانمند می‌شدند اما این امر در جوامع بسته سنتی چگونه امکان‌پذیر بود؟ آموزش زنان پاسخ ملانصرالدین به این مسئله بود. آموزش زنان ضرورت داشت؛ زیرا تعمیم سواد و ایجاد مهارت‌های لازم برای مشارکت اجتماعی و حضور در جامعه و کسب درآمد به استقلال زنان می‌انجامد و او را از نظر وابستگی به مرد می‌رهانید (آفاری، ۱۳۷۷: ۵).

چنین به نظر می‌رسد در ادبیات مربوط به ضرورت آموزش دختران در این دوره، اهمیت علم‌آموزی زن بیشتر به نقش وی به‌عنوان مادر و تأثیر آن در شکل‌گیری تربیت خانواده بازمی‌گردد تا زن به‌عنوان فرد انسانی (میر هادی، ۱۳۹۳: ۲۴). این سؤال مطرح می‌شود که آیا ملانصرالدین با هم‌عصران خود هم‌اندیشه بود؟ دیدگاه ملانصرالدین از

اهمیت آموزش و توانمندسازی زنان برای اداره بهتر خانه و فرزندان فراتر رفته و با تأکید بر خودآگاهی و استقلال زنان و پایان‌بخشیدن به نگاه سنتی به آنان (مادر- همسر و جنس دوم) به فراهم‌سازی زمینه برای کار و درآمد و فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی می‌رسد. در کاریکاتوری ملانصرالدین با به تصویر کشیدن فعالیت زنان ژاپنی در کنار مردان در اداره روزنامه‌ای نشان داد که برخلاف جوامع اسلامی و محرومیت‌های فردی و اجتماعی زنان، کار و حضور اجتماعی زنان در جامعه ژاپن امری است عادی. ملانصرالدین به کنایه نوشت که اگر در ژاپن نیز زنان بدون حجاب به کار کردن با مردان، آن‌هم در یک محل، عادت نداشتند آن وقت ژاپنی‌ها مثل مسلمانان ترقی می‌کردند (ملانصرالدین، س ۴، ش ۱۸: ۱۱)؛ ملانصرالدین، س ۴، ش ۶: ۶). در حقیقت ملانصرالدین علی‌رغم فضای سنتی حاکم بر جوامع اسلامی توجه خوانندگان خود را به ضرورت گسترش تحصیل زنان در راستای آگاهی نسبت به حقوق خود و امکان حضور در فعالیت‌های اجتماعی حتی در کنار مردان را جلب کرد و آن را شرط ترقی کشورهای اسلامی دانست.

تأکید بر آموزش زنان در راستای توانمندسازی زنان بود. زنان اکثراً ناتوان حتی در شمارش اعداد و ارقام بودند. ملانصرالدین این سؤال را مطرح کرد که زنان در کدام مدرسه علم حساب یاد گرفتند که بتوان از آنان انتظار داشت (ملانصرالدین، س ۱، ش ۲۸: ۳). تأسیس مدارس دخترانه اهمیت داشت چرا که مدارس دخترانه نه تنها مکان سوادآموزی و تحصیل بلکه به سرعت به مهم‌ترین فضای یادگیری و تمرین شهروندی و فضای سازندگی زن شهروند تبدیل شد (نجم‌آبادی، ۱۳۸۴: ۲۰).

ملانصرالدین با تأکید بر تحصیل علوم جدید براساس قواعد اروپایی معتقد بود آموزش باید عمومی و اجباری باشد (ملانصرالدین، س ۵، ش ۲۸: ۲-۳) و با آگاهی از دغدغه‌های جامعه سنتی و واهمه آنان بر اسلامی بودن این گونه مدارس تأکید نمود. در این جهت در کاریکاتوری دختر جوان با پوشش متعارف اسلامی را به تصویر کشید که در مدرسه حضور می‌یافت. قرار بود در این مدارس «علم به همراه انسانیت و اسلامیت» باشد (ملانصرالدین، س ۱، ش ۱۹: ۱). ملانصرالدین درباره لزوم آموزش زنان براساس اصول جدید افق‌های وسیعی را دید. به طوری که موضوع اعزام دختران به فرنگ را مطرح و به

حمایت از آن پرداخت. بدین منظور به مناسبت در گذشت «لیلی خانوم شاهتختلی»، دانشجوی پزشکی در سوئیس، نوشت: «این خواهرمان وفات کرد، آیا منصفانه است که جای او خالی باشد؟» از این طریق ملانصرالدین از دختران مسلمان خواست او را الگوی خود قرار داده و جهت تحصیل به اروپا بروند؛ «تا سوئسی‌ها فکر نکنند که در دنیا دختر مسلمان تحصیل کرده و طالب علم وجود ندارد» (ملانصرالدین، س ۳، ش ۵۲: ۴).

### لزوم تغییر جایگاه فردی و اجتماعی زنان

در حالی که بحث بررسی موقعیت زنان و لزوم تحول آن در ایران با احتیاط کامل انجام می‌گرفت، ملانصرالدین به دلیل اینکه نوسازی جوامع اسلامی را در پیوند با دگرگون سازی شرایط فردی و اجتماعی زنان می‌دانست، به دور از احتیاط‌های لازم به مسئله زنان و جایگاه آنان پرداخت و دیدگاه منفی نسبت به زنان را که در جوامع اسلامی غالب بود، مورد نقد قرار داد (adiguzl, 2007: 13).

بر اساس نگاه تحقیرآمیز نسبت به زنان، در تبریز آدم حساب کردن زنان جزء اصول کفر تلقی می‌شد (ملانصرالدین، س ۵، ش ۱۲: ۷). واقعیت این بود که دختران از بدو تولد جایگاهی در خانه نداشتند؛ تولد فرزند دختر باعث ناراحتی خانواده و بی‌مهری نسبت به مادر می‌شد (ملانصرالدین، س ۳، ش ۳۶: ۷؛ ملانصرالدین، س ۴، ش ۳۱: ۱۲). این امر ریشه در فرهنگ و سنت‌هایی داشت که در ضرب‌المثل‌ها و فولکلور نیز انعکاس یافته بود؛ «دختر بچه مثل دندانی است که درد می‌کند و باید آن را کشید و بیرون انداخت، دختر ناقص است» (ملانصرالدین، س ۳، ش ۹: ۶). بر این اساس، زنان چیزی مثل اشیاء خانه بودند که وجود آنان برای مردان لازم و ضروری بود (ملانصرالدین، س ۴، ش ۶: ۶). از سوی دیگر نگاه مردان به زنان تحقیرآمیز بود. آنان نقش زنان را در پیش‌خدمتی، تحمل نیش و کنایه‌های اقوام شوهر و بچه‌داری دانسته و نگاه ابزاری نسبت به آنان داشتند (ملانصرالدین، س ۳، ش ۸: ۶؛ ملانصرالدین، س ۳، ش ۵: ۷) و هرگونه مشورت با زنان را به دلیل «ناقص‌العقلی» آنان نفی و آن را «گناه» و عملی قبیح می‌دانستند. اهمیت این مسئله ملانصرالدین را واداشت که در مقاله «ابواب الجنان» به این موضوع پردازد. به طوری که به



نقل از کتاب ابواب الجنان<sup>۱</sup> نوشت: «خروج دجال لعین وقتی خواهد بود که مردمان با زنان در کار مشورت کنند». بر این اساس ملانصرالدین استدلال کرد که نباید به زنان پزشکی مراجعه شود و در امور منزل از آنان نظر خواهی کرد چرا که "ابواب الجنان" مشورت با زنان را ممنوع کرده است! از نظر ملانصرالدین نباید این حرف‌ها سهل و آسان گرفته شود، چرا که در کتابی نوشته شده است که در بین مسلمانان بسیار رایج و در سطح بالا تدریس می‌شود و به حد تقدس رسیده است. ملانصرالدین متذکر شد که امروز در جهان اسلام از قفقاز تا مصر و عثمانی مدارس دخترانه افتتاح شده و حتی دختران برای تحصیل علم به فرنگستان (سرزمین کفر) فرستاده می‌شوند و در نهایت آنها با کسب علوم متفاوت به وطن خود باز خواهند گشت و مردان ملزم و ناچار به مشورت با زنان هستند» (ملانصرالدین، س ۳، ش ۳۰: ۲-۳).

ملانصرالدین با ریشه‌یابی تحقیر زنان در جوامع اسلامی آن را حاصل دو عامل سنت‌های جامعه مردسالار و بعضی از متون مذهبی رایج دانست که به نوبه خود عاملی برای تقویت سنت‌های جامعه بودند. از دیدگاه ملانصرالدین همخوانی زیادی بین متون یادشده و الزامات عصر جدید وجود نداشت. بنابراین راهی جز بازنگری و خوانش‌های جدید متون مذهبی نبود.

### تأکید بر تساوی زن و مرد

مساوات از دیگر موضوعات بسیار مهم و حساسی بود که مورد توجه ملانصرالدین قرار گرفت. این در حالی بود که طرح مسئله حقوق زنان در اکثر کشورهای شرقی با موانع مهمی همراه بود. حتی در ایران علی‌رغم تلاش‌های فعالان در این باره، افکار عمومی

---

<sup>۱</sup> ابواب الجنان اثر معروف ملا محمد رفیع‌الدین واعظ قزوینی از شاعران و فضیلا بنام دوره صفوی است. کتاب مجموعه گفتارهایی درباره موضوعات اخلاقی است که دو باب آن در زمان حیات نویسنده به اتمام رسیده بقیه را فرزندش ملا محمد شفیع در یک جلد به نام تتمیم ابواب الجنان به اتمام رسانده است. باب اول این اثر، در بردارنده چهارده مجلس از مجالس وعظ است که نویسنده متناسب با موضوع مطرح شده با طرح آیات قرآنی و تفسیر آنان براساس احادیث به ذم صفات پست انسانی می‌پردازد.

جامعه و حتی بسیاری از مشروطه‌خواهان، آمادگی پذیرش برابری حقوق زنان و مردان را نداشتند و صرفاً به دفاع از برخی حقوق اولیه چون حق آموزش و تحصیل پرداختند (وطن‌دوست و شیپری، ۱۳۸۵: ۱۳).

در جوامع سنتی بین زن و مرد روابط نابرابر حاکم و سنت‌ها و قوانین عمدتاً به نفع مردان عمل می‌کرد. بر این اساس طلب حقوق برابر با مردان، غیرقابل قبول بود و به معنی «مصیبت جدید» تلقی می‌شد؛ چرا که وظیفه زنان، صرف زندگی خود در امور روزمره بود و عدالت برای زنان معنی نداشت (ملانصرالدین، س ۲، ش ۳۳: ۶). از این منظر مساوات زنان و هن‌برانگیز می‌نمود. از نظر ملانصرالدین عادات و قاعده‌های کهنه درباره زنان متناسب با زمانه نبود و باید تساوی حقوق زن و مرد، دختر و پسر رعایت می‌شد (ملانصرالدین، س ۴، ش ۴۰: ۷؛ ملانصرالدین، س ۵، ش ۲۸: ۲-۳). در این راستا تلاش کرد تا اثبات کند که زنان نیز انسان‌اند؛ و در خلقت کاملاً با مردان برابرند و به عنوان عضوی از جامعه خود حق برخورداری از حقوق مساوی با مردان را دارند هرچند که مردان نیز در این گونه جوامع دارای حقوق چندانی نیستند ولی نباید زنان را در این سهم‌خواهی نادیده گرفت (ملانصرالدین، س ۴، ش ۴۵: ۴-۵).

به نظر می‌رسد که نگرانی جامعه سنتی از اعطای حقوق به زنان «ناقص‌العقل و ناقص‌الدین» در تضاد با منافع آنان و بیشتر از بابت ترس از دست‌رفتن اقتدار سنتی مردان و قدرت‌نمایی آنها در عرصه خانواده و اجتماع بود؛ نگرانی از این بود که انقیاد زنان از بین برود و آنان تسلیم خواسته‌های مردان نشوند و حتی حجاب را کنار بگذارند. لذا سعی در پنهان کردن زنان در خانه داشتند (ملانصرالدین، س ۴، ش ۱۵: ۴؛ ملانصرالدین، س ۴، ش ۱۳: ۵).

اختیار مطلق مردان در امر ازدواج و طلاق و بی‌توجهی به خواست زنان در این باره از دیگر مباحث مورد توجه ملانصرالدین بود. از دیدگاه ملانصرالدین نظیر اختیاراتی که در جوامع اسلامی به مردان اعطا شده در هیچ‌یک از ملت‌های دیگر مشاهده نمی‌شود و این را ظلمی آشکار به زنان دانست و بر لزوم تغییر قوانین ازدواج و طلاق تأکید داشت (ملانصرالدین، س ۳، ش ۲۰: ۲). واقعیت این بود که مردان هر زمانی که اراده می‌کردند

می‌توانستند همسر خود را مطلقه کنند ولی اگر زنان خواستار چنین امری می‌شدند، این امر به سختی تحقق می‌یافت. در این راستا زنی را به تصویر کشید که در حالت التماس از شوهر خود که سال‌هاست او را ترک کرده است درخواست طلاق می‌کند ولی مرد با این استدلال که کاری خلاف شرع انجام نداده و حق طلاق با اوست درخواست زن را رد می‌کند (ملانصرالدین، س ۵، ش ۱۹: ۱). ملانصرالدین طلاق را امری طبیعی در دنیا دانسته و معتقد بود که در صورت عدم سازگاری طلاق باید صورت بگیرد و در عین حال یادآور این سؤال در اذهان عمومی مسلمان شد که آیا در جوامع اسلامی نیز وضع به همین منوال است؟ کاریکاتورهای ملانصرالدین گویای وضع زنانی است که خواهان جدایی جهت رهایی از خشونت‌های همسرانشان بودند ولی عرف و شریعت جانبدارانه راه را برای آنها بسته و از حمایت‌های قانونی برخوردار نبودند. در بهترین حالت طلاق زنان بسته به انصاف مردان داشت، بسیاری از این زنان تا زمان مرگ در عقد مرد خود قرار می‌گرفتند (ملانصرالدین، س ۳، ش ۲۰: ۲؛ ملانصرالدین، س ۵، ش ۴: ۵-۸). عدم حق طلاق برای زنان مشکلات عدیده‌ای فراهم می‌کرد. ملانصرالدین پرده از عواقب دردناک این مسئله برداشت. در کاریکاتوری زنی را به تصویر کشید که به جرم اینکه «چهار سال بعد از شوهر ناپدیدشده‌اش با مرد دیگر ازدواج کرده» سنگسار می‌شد. در نظر مردم، با این ازدواج «دین از دست رفته بود» و زن باید طبق قانون عدلیه ایران در آستانه قرن بیستم سنگسار شود (ملانصرالدین، سال پنجم، ش ۴: ۸).

در جامعه نمونه ملانصرالدین زنان از حق مالکیت محروم بودند. حتی بعضی از ازدواج‌ها به خاطر تصرف اموال زن صورت می‌گرفت و شوهران به محض ازدواج اموال زن را تصاحب می‌کردند. قاعدتاً این امر، بدون رضایت زنان بود؛ چرا که از منظر سنتی‌ها زن نیازی به پول نداشت و اگر پولی داشته باشد یا از آن شوهرش است یا برادر یا اقوام دیگر زن. تنها امید زنان در این بین انصاف مردان بود و مرجع قانونی و مشروعی برای احقاق حق مالکیت زنان در عمل نبود. تصاحب اموال زنان به قدری مورد پذیرش قرار گرفته بود که اگر معدود زنانی اعتراض می‌نمودند مورد سرزنش قرار می‌گرفتند (ملانصرالدین، س ۳، ش ۳: ۳؛ ملانصرالدین، س ۴، ش ۲۸: ۴-۵). ملانصرالدین تصاحب

اموال زنان را ظلمی آشکار دانست و برحق مالکیت آنان تأکید داشت. در مقاله‌ای خبر اعطای حقوق مساوی به زنان به ویژه تساوی در ارث بین فرزندان دختر و پسر توسط دومای روسیه را اعلام کرد و آن را عین عدالت و مساوات دانست و خواستار سهم الارث مساوی بین زن و مرد در جوامع اسلامی شد. ملانصرالدین با خرده‌گیری از عدم تساوی حقوقی زن و مرد به کنایه نوشت که عدالت و مساوات برای ما نیامده، چون مسلمان هستیم، در بین ما به هر کسی می‌شود اختیاری داد به غیر از زن و دختر و صراحتاً اعلام کرد که ما قادر به فهم الزامات زمانه و مطالبات تمدن جدید نیستیم به این خاطر در نزد ما صحبت از حقوق زنان کار بیهوده‌ای است (ملانصرالدین، س ۵، ش ۳: ۲-۳؛ ملانصرالدین، س ۵، ش ۲۰: ۳).

### به رسمیت شناختن حق رأی زنان: مقدمه مشارکت سیاسی زنان

در ایران اندکی پس از صدور فرمان مشروطه، نخستین انتخابات مجلس شورای ملی برگزار شد و زنان هم‌ردیف با آدم‌کشان، دزدان و دیوانگان از حق رأی محروم شدند (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۶۳: ۵۱۵). حتی در عثمانی حریت و مشروطیت به معنی اعطای آنان به زنان تلقی نشد (ملانصرالدین، س ۴، ش ۴۸: ۵). این در حالی بود که امید می‌رفت با پیروزی مشروطه حقوق سیاسی و اجتماعی به تمامی افراد جامعه فارغ از جنسیت اعطا شود. در چنین شرایطی، ملانصرالدین مسئله لزوم اعطای حق رأی به زنان را مطرح و از آن حمایت نموده و با ارائه مدلی از زنان در دیگر کشورها بحث امکان انتخاب و نامزدی زنان و ورود آنان به مجلس در کشورهای اسلامی را به میان کشید. ملانصرالدین زمانی از حق رأی زنان در جوامع اسلامی سخن گفت که در این کشورها مردان نیز از حقوق مدنی لازم برخوردار نبودند، با این حال به نقل از روزنامه‌های نوروژی، به تلاش زنان نوروژی اشاره کرد که موفق شده بودند حق شرکت در انتخاب نمایندگان مجلس را به دست آورند و در شهر «کریستیانیا» از هشت نماینده دموکراتی که وارد مجلس شده بودند، دو نفر زن بودند. همچنین از درخواست پنج هزار نفر از زنان آمریکا در مورد حق برابری کامل با مردان در ورود به خدمات دولتی یاد کرد و به مقایسه آن با وضعیت زنان در کشورهای اسلامی

پرداخت و با تأکید بر تفاوت فاحش موقعیت زنان در شرق و غرب به کنایه خود را در عالم «خواب و هیپنوتیزم» دید. واقعیت این بود که جامعه سنتی حق رای زنان را «بی‌دینی و بی‌حیایی» آنان دانسته و معتقد بود که اگر نیازی به تساوی زنان با مردان بود خداوند آنها را «مو بلند و با عقل ناقص» خلق می‌کرد؟ (ملانصرالدین، س ۴، ش ۴۵: ۴). ملانصرالدین همچنین در مقاله «زه مستوا» به نقل از روزنامه‌های روسی نوشت: «وکلای ارمنی و گرجی پیشنهاد داده‌اند که زنان نیز باید در امور "زه مستوا" دخالت کنند و آنان نیز در انتخابات حق شرکت داشته باشند». ملانصرالدین متذکر شد که زنان ما هم می‌خواهند مانند زنان همسایه صاحب‌اختیار و هم‌ردیف با آنان باشند. بنابراین اگر به آنان در انتخابات، اختیار داده شود به زنان ما نیز باید داده شود؛ چرا که در بین ما هم کم نیستند زنان تحصیل‌کرده‌ای که خواهان آزادی و اختیار هستند (ملانصرالدین، س ۴، ش ۴۳: ۸-۷).

از سوی دیگر جوامع سنتی با واهمه از تغییرات ایجادشده در حوزه زنان و تسری آنان به کشورهای اسلامی این گونه درخواست‌ها را از طرف‌دها و اقدامات «سوسیالیست‌های مسلمان» می‌دانستند که به زعم آنها در صدد اشاعه «بی‌حیایی بین دختران و زنان مسلمان» بودند (همان جا). از این منظر در جامعه‌ای که مردان هنوز حق انتخاب و رأی نداشتند چگونه می‌توان انتظار داشت که این حق به زنان داده شود؟ به نظر می‌رسد ملانصرالدین در مقام مقایسه، زنان مسلمان را با زنان غربی برابر گرفته و خواستار آزادی برای زنان به مانند مردان است. اگرچه تعداد زنان تحصیل‌کرده در این گونه کشورها کم بود، اما اقلیت زنانی که خواهان آزادی و شرکت در انتخابات و حق انتخاب باشند وجود داشت. به نظر می‌نماید ملانصرالدین با انعکاس اخبار مربوط به تلاش برای کسب حق رأی زنان در صدد آشنایی و آگاه کردن مردمان و تغییر در نگرش آنان همسو با الزامات عصر جدید بود. از نظر ملانصرالدین زنان باید در امور کشور شرکت کرده و حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را داشته باشند. ملانصرالدین بر لزوم همکاری و همراهی و دفاع مردان در حمایت از حقوق زنان تأکید داشت و معتقد بود تا زمانی که جوامع اسلامی حقوق انسانی و اولیه به زنان خود قائل نشود و آنها را در ردیف «آدم‌های معلول» به حساب آورده و کنار بزنند و در خانه‌های خود مخفی کند، ملت‌های دیگر آنان را آدم حساب نخواهند کرد.

ملانصرالدین به صراحت متذکر می‌شود که جوامع اسلامی از طرفی دغدغه پیشرفت دارند در حالی که عارشان می‌آید که زنان را جزئی از اعضای خود و جامعه بدانند. از نظر ملانصرالدین کشورهای اسلامی چاره‌ای جز همراهی با زنان و پذیرش آنان به عنوان جزئی از پیکره جامعه را ندارند. در غیر این صورت راه توسعه و پیشرفت را طی نخواهد کرد و در چشم جوامع توسعه‌یافته به عنوان «مردمان عجیب و نامعلوم» دیده می‌شوند (ملانصرالدین، س ۴، ش ۴۵: ۴).

ملانصرالدین با آگاه‌سازی جوامع سنتی در خصوص تغییرات صورت گرفته در حوزه زنان در دیگر کشورها، درصدد احقاق حقوق زنان بود. در این راستا خطاب به زنان نوشت: «در دنیا اتفاقات بسیاری در حال وقوع است و ما نباید نسبت به آنان بی تفاوت باشیم. ما در حالی در گوشه‌ای ایستاده و نگاه می‌کنیم زنان در جهان و حتی در عثمانی از طریق قانون اساسی به دنبال احیای حقوق و اختیارات ضایع شده چندین صد ساله خود هستند. بنابراین باید از این زنان و اقدامات آنان که بدون وا همه از مردان، مردانه از طریق میتینگ و نطق‌ها به دنبال کسب حقوق خود هستند الگو گرفت و به دنبال این بود که زنان چه می‌خواهند و خواست زنان چیست؟ چه حقوقی از آنان ضایع شده است و چه کسانی این حقوق و اختیارات را از آنان سلب کرده‌اند؟ ملانصرالدین با تأکید بر تضييع حقوق زنان از جانب مردان و با توجه به تحولات صورت گرفته در جامعه عثمانی احقاق حقوق از دست‌رفته زنان را در تظاهرات خیابانی و بدون حجاب ظاهر شدن در اجتماع و ایراد نطق‌های بلند نمی‌داند، بلکه در تلاش است اذهان عمومی را به سمت واقعیت‌های موجود و مطالبات واقعی زنان سوق دهد؛ چرا که در این صورت است که می‌توان فهمید که حقوق زنان چیست و آنان چه اختیاراتی می‌خواهند. ملانصرالدین ترقی مسلمانان را در قانون اساسی می‌دانست و معتقد بود در قانون اساسی باید به حقوق زنان توجه و از آنها نیز یاد شود (ملانصرالدین، س ۳، ش ۳۲: ۲).

### کودک‌همسری (ازدواج یا تعدی؟)

پدیده کودک‌همسری از دیگر موضوعات مورد توجه ملانصرالدین بود و به شکل گسترده در روزنامه بازتاب یافته و مورد انتقاد نویسندگان آن قرار گرفته است. دختران عصر

ملانصرالدین بیشترین قربانیان پدیده ازدواج کودکان بودند. مذهب، سنت و فقر از عوامل تأثیرگذار در رواج این پدیده بودند. دختران حق آزادانه و یکسان برای انتخاب همسر و انعقاد ازدواج برپایه رضایت آزادانه نداشتند، به طوری که در یکی از کاریکاتورها ملانصرالدین دختر بچه گریانی را به تصویر کشید که در آن پدر خانواده با این استدلال که سن شوهر کردن دختر فرارسیده مانع از تحصیل و مدرسه رفتن او شد (ملانصرالدین، س ۵، ش ۲۷: ۱). در کاریکاتور دیگری مادر در حال متقاعد کردن دختر بچه خود برای ازدواج با پیرمردی است. دخترک در حالت گریان ترسیم شده که به مادر خود می‌گوید که حاضر به ازدواج با این مرد به علت کهولت سن او نیست (ملانصرالدین، س ۳، ش ۴: ۸).

ملانصرالدین رواج پدیده ازدواج دختران کم سن و سال (عمدتاً زیر هشت سال) آن هم با مردان مسن را دور از رفتار انسانی و مخالف با الزامات عصر جدید دانسته و آن را «دردی بزرگ» و «فاجعه خونین» و از علایم و نشانه‌های مرگ جامعه می‌داند و صراحتاً در این باره می‌نویسد: «ما [جامعه] صدا و فریادهای دختران هشت ساله را شنیده می‌گوییم به ما چه؟ به حال این جامعه باید گریست ولی ما می‌خندیم». از دیدگاه ملانصرالدین فاجعه است که هر روز ازدواج‌های از این دست اتفاق می‌افتند بدون اینکه معترض آن شوند. «فاجعه خونین» این است: «حاجی ملک هفتاد سال دارد زنش دوازده سال، فاجعه خونین این است مشهدی نور علی مرد هفتاد ساله است ولی سال گذشته دختر نه ساله گرفته». ملانصرالدین با تأکید بر اجباری بودن این گونه ازدواج‌ها می‌نویسد: «اشک‌های دخترانی که به زور به خانه مردان فرستاده می‌شوند دیده نمی‌شود. اگر اشک این دختران را یک جا جمع کنیم دریای عمان جدیدی به عمل می‌آید» (ملانصرالدین، س ۳، ش ۱۶: ۳؛ ملانصرالدین، س ۲، ش ۳۰، ۲؛ ملانصرالدین، س ۵، ش ۲۷: ۲-۳).

ملانصرالدین تلاش کرد که جامعه و اذهان عمومی را متوجه این امر کند که جوامع اسلامی دچار مسئله عدم آگاهی شده‌اند، بدین علت حقوق دختران و زنان در آن به راحتی پایمال می‌شود. ملانصرالدین راه چاره را در ایستادگی در مقابل چنین ازدواج‌های دانست (ملانصرالدین، س ۲، ش ۳۰: ۲؛ ملانصرالدین، س ۵، ش ۳۱: ۶) و درصدد ریشه‌یابی این مسئله برآمد که چرا دختران خردسال تن به ازدواج‌های اجباری می‌دهند؟ از نظر

ملانصرالدین علت این امر را باید در سنت‌ها و فرهنگ جوامع جست. ملانصرالدین با اشاره و گریز به جایگاه فرزند دختر نزد اعراب و دخترکشی آنها به مقایسه جایگاه فرزندان در بین مسلمان و برخوردار دوگانه با آنان پرداخت و تأکید کرد که دختر بچه‌ها از بدو تولد جایگاهی در نزد خانواده‌ها ندارد و توجه چندانی به آنها نمی‌شود، و به محض بزرگ شدن در سن هفت و هشت سالگی تحت فشار والدین تن به ازدواج می‌دهند. ملانصرالدین در مقام مقایسه از قاعده‌ای در بین غربی‌ها یاد کرد که این گونه اعمال در آنجا تجاوز تلقی شده و پیگرد قانونی و حبس‌های طولانی مدت دارند ولی در جوامع اسلامی این گونه ازدواج‌ها عادی است (ملانصرالدین، س ۲، ش ۲۵: ۷).

از نظر ملانصرالدین این وضع بدون پیامدهای اجتماعی نمی‌توانست باشد و یکی از مهم‌ترین پیامدهای آن را تزلزل نظام خانواده دانست. همچنین به عواقب چنین ازدواج‌ها و ایجاد مناسبت‌های خارج از چهارچوب خانواده بعضی از قربانیان ازدواج‌های زود هنگام هشدار داد (ملانصرالدین، س ۵، ش ۲۱: ۷). در این راستا در کاریکاتوری ملانصرالدین زن جوانی را به تصویر کشید که شوهرش به دلیل کهولت سن در حالت خواب و غفلت از زن است که این امر موجب می‌شود زن به برقراری رابطه با مرد دیگری روی بیاورد (ملانصرالدین، س ۲، ش ۲۴: ۸).

ملانصرالدین این سؤال را مطرح کرد که چرا علی‌رغم تأکید اسلام به اصل شرط رضایت دختر در ازدواج، شاهد رواج این گونه ازدواج‌ها در جامعه هستیم؟ ملانصرالدین علت را در سنت‌های اجتماعی و سکوت جامعه و بی‌تفاوتی آن به ویژه روزنامه‌هایی می‌داند که به مسائل زنان بی‌توجهی می‌کردند و به نشانه اعتراض نوشت: «روزنامه‌ها از همه جا می‌نویسند، از زمین و زمان، از حریت و شریعت، ایران و توران اما هیچ صحبتی از زنانمان نیست. چون خوشایند آقایان نیست» (ملانصرالدین، س ۳، ش ۱۶: ۳؛ ملانصرالدین، س ۵، ش ۲۷: ۲ - ۳). قابل ذکر است که هم‌زمان با ملانصرالدین روزنامه‌های چون: فیوضات، حیات، دین و معیشت، طنین، بیان الحق، نسیم شمال، آذربایجان و صوراسرافیل در قفقاز، ترکیه و ایران انتشار می‌یافت. ولی اکثر این روزنامه‌ها متأثر از فضای سنتی و به دلایل معین سیاسی توجهی به مسائل زنان و حقوق آنان نداشتند. ملانصرالدین به این گونه



روزنامه‌ها و محافل محافظه‌کار و مخالفت آنان با آزادی زنان انتقاد داشت (آخونداف، ۱۳۵۸: ۴۹). صوراسرافیل و نسیم شمال تحت تأثیر سبک و شیوه ملانصرالدین بود ولی اغلب این روزنامه‌ها سرلوحه کار خود را امور سیاسی قرار داده بودند. در این بین روزنامه صوراسرافیل نیم‌نگاهی به وضعیت زنان ایران داشت اما از لحاظ میزان پرداختن و عمق مطلب قابل مقایسه با ملانصرالدین نمی‌باشد. ملانصرالدین از معدود روزنامه‌های عصر خود بود که علی‌رغم بافت سنتی جوامع اسلامی به شدت به وضع زنان و عقب‌ماندگی آنان معترض، و آن را در ارتباط مستقیم با ساختارهای سنتی و دینی جوامع اسلامی دید و بر لزوم دگرگونی آن تأکید نمود و همچنین با باور به حقوق زنان در صدد جلب توجه اذهان عمومی به نقش زنان در مدنیت جدید بود.

از سوی دیگر ملانصرالدین روحانیت سنتی را در گسترش این گونه ازدواج‌ها مؤثر دانسته و معترضان نوشت: از زمان خلقت تاکنون روحانیون در مقابل ثبت این گونه ازدواج‌ها ایستادگی نکرده‌اند چرا که برای آنان این مسئله قابل بازنگری و پرسش نیست و آنها، به گفته خود، بر اساس شرع عمل می‌کنند (ملانصرالدین، س ۳، ش ۱۷: ۷). در حقیقت ملانصرالدین انتقاد غیرمستقیمی بر قوانین و حقوق شرعی حوزه زنان داشت که بر طبق آن ازدواج دختر بچه‌ها با پیرمردها منع نمی‌شد و عرف نیز با توسل به آن به تقویت آن می‌پرداخت. با این حال ملانصرالدین به تابوهای اجتماعی جهان اسلام به خوبی واقف و در صدد شکستن آنها بود.

### خشونت علیه زنان / پدیده چندهمسری

خشونت علیه زنان در اشکال گوناگون آن به عنوان بارزترین جلوه جوامع مردسالاری در ملانصرالدین نمود عینی یافت. کاریکاتورهای ملانصرالدین گویای زنانی است که از دست خشونت‌های فیزیکی همسران خود با مراجعه به مراجع قانونی با التماس از آنها درخواست طلاق می‌دهند. زنان حتی از جانب فرزندان پسر خود مورد خشونت قرار می‌گرفتند و پدر خانواده آنان را به خشونت علیه مادرانشان تشویق می‌کرد (ملانصرالدین، س ۳، ش ۴؛ ملانصرالدین، س ۴، ش ۴۴: ۶). این پدیده به قدری رواج داشت که

ملانصرالدین از سال چهارم انتشار به شکل ثابت در شماره‌های خود با درج کاریکاتوری در صفحه اصلی با مضمون خشونت علیه زنان، درصدد جلب افکار عمومی برآمد. خشونت پدیده‌ای رایج در جوامع آن روز بود به طوری که بعضاً زنان با حیوانات خانگی برابر گرفته می‌شدند. ملانصرالدین در مقاله‌ای نشان داد که زن را هم مانند گربه داخل خیک می‌کنند و آن قدر با چوب می‌زنند که جانش دربیاید (ملانصرالدین، س ۴، ش ۴۲: ۴). در نگاه سنتی حتی تحصیل دختران نیز تغییری در وضعیت کلی آنها ایجاد نمی‌کرد و بر آنها منفعتی دربر نداشت چرا که فرقی نمی‌کرد وقتی زنان را داخل گونی می‌کنند تحصیل کرده باشد یا نباشد. ملانصرالدین به نشانه اعتراض و به کنایه نوشت این مطلب برای مسلمانان قابل درک نیست، همه دختران در این نگاه یکی هستند و وقتی زنان داخل گونی می‌شوند علم چه فایده‌ای خواهد داشت؟ (ملانصرالدین، س ۴، ش ۴۲: ۵).

ابعاد دیگر خشونت، مانند تعدد زوجات از دیگر مباحث مورد توجه ملانصرالدین بود. درحالی که در ایران بحث تعدد زوجات در سال ۱۳۲۷ق در روزنامه ایران نو توسط طائره خانم مطرح شد (خسروپناه، ۱۳۸۲: ۸۵). ملانصرالدین خیلی پیش‌تر از آن و در اکثر شماره‌ها بخشی را به رواج پدیده چندهمسری و آسیب‌هایی که زنان در این گونه ازدواج‌ها متحمل می‌شدند اختصاص داد. از نظر ملانصرالدین تلقی بوالهوسانه مردان نسبت به زنان باید تغییر می‌کرد. مردان ازدواج‌های متعدد را حق خود می‌دانستند، هر وقت اراده می‌کردند زن می‌گرفتند و به این امر افتخار می‌کردند (ملانصرالدین، س ۲، ش ۳۵: ۸؛ ملانصرالدین، س ۲، ش ۳: ۶). این پدیده به قدری رایج بود که ملانصرالدین در کاریکاتوری ضمن ترسیم ظلم به زنان در این گونه ازدواج‌ها به طنز نوشت «قد جاء التازه ذوق الکهنه» (ملانصرالدین، س ۲، ش ۳۷: ۸).

ملانصرالدین برای اثبات تضييع حقوق زنان، به مقایسه آنان با زنان غربی پرداخت و متذکر شد ملت‌های دیگر با زنان خود به عدالت رفتار کرده و به یک زن اکتفا می‌کنند. ولی اینها به مسلمانان ربطی نداشت؛ چرا که «حب النساء را لازمه حب الوطن» می‌دانند. ملانصرالدین به کنایه نوشت که این روس و یهودی است که فقط یک زن می‌گیرد کسی که مدرن است سالی یک زن می‌گیرد (ملانصرالدین، س ۲، ش ۱۸: ۲؛ ملانصرالدین،

س ۳، ش ۱۴: ۳). و متذکر شد در اروپا مردانی که متمایل به زنان دیگر هستند، مجرد هستند نه متأهل و در صورتی که مردان متأهل به زنان دیگر تمایل داشته باشند به شدت از جانب فرهنگ و اجتماع و مهم تر از آن از جانب دین آن جامعه مقصر شناخته شده و محکوم می‌شوند. ولی در جوامع اسلامی عین «عبادت و ثواب» محسوب می‌شود. ملانصرالدین وضع موجود را حاصل دو مسئله می‌داند: تشویق رؤسای مذهبی به ازدواج مجدد و کسب منفعت مالی آنان از این راه و رواج مسئله صیغه. ملانصرالدین با انتقاد از شیوع ازدواج موقت به کنایه می‌نویسد که امروز صیغه یکی از شرایط زیارت در بین مسلمانان محسوب می‌شود، و از راه‌اندازی «بازار صیغه در خراسان» یاد می‌کند و در کاریکاتوری نشان می‌دهد که چطور یک زن در مدت زمان کوتاهی به عقد مردهای متعدد درمی‌آید (ملانصرالدین، س ۲، ش ۱۹: ۲-۳).

### انتقاد از زنان / لزوم نوزایی در اندیشه

دامنه انتقاد ملانصرالدین تنها به حوزه برخورد جامعه سنتی به مقوله زن محدود نبود، بلکه خود زنان را هم در شکل‌گیری این وضع دخیل می‌دانست و البته این خود ناشی از تربیت و نگرش تاریخی بود در پیوند با رابطه زن و اجتماع. یکی از مهم‌ترین این مسائل، مسئله خرافه و رابطه آن با زنان بود.

جهل و بی‌خبری و اعتقاد به خرافه و رواج آن در بین زنان مسلمان مورد توجه ملانصرالدین بود. دامنه خرافه زوایای مختلف زندگی زنان را دربر می‌گرفت، به‌طوری‌که کمک گرفتن از شیرهای سنگی، مناره‌ها درختان، سنگ قبر، اماکن مقدس، توسل به پیر و مرشدها برای حل مشکلاتی چون دفع بلا، چشم زخم، نازایی، گشایش بخت، جلب محبت همسر، ترغیب دختران به ازدواج و دوری از طلاق و موارد متعددی از این دست، از جمله اعتقادات و رفتارهای متداول زنان در آن زمان بود. ملانصرالدین در شماره‌های مختلف با انعکاس زوایای مختلف رواج خرافه در بین زنان و انتقاد شدید از آنان به دنبال حذف و رهایی جامعه زنان از آن بود (ملانصرالدین، س ۲، ش ۶: ۱؛ ملانصرالدین، س ۲، ش ۱۷: ۱؛ ملانصرالدین، س ۳، ش ۱۶: ۷). با این توضیحات این سؤال مطرح می‌شود که

آیا خرافه‌پرستی مخصوص زنان بوده و مردان از آن مبرا بودند؟ به نظر می‌رسد ملانصرالدین ضمن توجه جدی به خرافات و عدم عقلانیت به‌عنوان ریشه اصلی عقب‌ماندگی و انحطاط جوامع اسلامی، زنان را به‌عنوان حاملان اصلی باورهای خرافی، به انتقاد می‌گیرد و آنها را به‌دلیل نقش تربیتی که دارند مروجان خرافه و عاملان انتقال آن به نسل‌های آتی می‌داند. بنابراین بر لزوم تعلیم و تربیت زنان و فوایدی که زن عالم به مملکت می‌رساند به‌خوبی آگاه بود، بدین علت بر لزوم سوادآموزی و آموزش زنان جهت رفع جهل و خرافه از بین آنان به‌شدت تأکید داشت.

گرایش به خرافه از آن‌جا به وجود می‌آمد که زنان در عرصه اجتماعی احساس ضعف و ناتوانی می‌کردند، قواعد حقوقی و اجتماعی از آنان حمایت نمی‌کرد و وفق آگاهی‌شان به حدی کوتاه بود که راهی این جهانی برای حل مشکلات خود نمی‌یافتند (ترابی، ۱۳۸۸: ۶). از دیدگاه ملانصرالدین در غیاب عقلانیت و دانش است که زنان در ریشه‌یابی واقعی امور دچار اشتباه شده و به خرافه متوسل می‌شدند. از نظر ملانصرالدین برخلاف تصور عمومی، زنان مسلمان در مقایسه با زنان غربی صاحب عقل و کمالات و نسبت به آنان عاقل‌تر نیستند و باید تعارفات را کنار گذاشته و واقعیات موجود را پذیرفت. ملانصرالدین به صراحت اظهار می‌دارد: «زنان ما کجا آن عقل و کمالات را به دست آورده‌اند که زنان بیگانه و خارجی یا دیگر زنان نتوانستند این چشمه کمال را پیدا کنند». و با تأکید بر بی‌دانشی زنان مسلمان می‌نویسد که زنان ما باید از زنان اجنبی بخواهند که برای آنان الفبای خواندن و نوشتن یاد بدهند تا بتوانند در غیاب شوهران خود از اداره امور مالی و حساب و کتاب‌های روزانه حداقل به صورت جزئی برآیند. ملانصرالدین تأکید دارد اگر ما حقیقتاً به دنبال ترقی و پیشرفت هستیم باید از زنان خارجی خواهش کنیم تا به زنان ما خواندن و نوشتن، تربیت درست کودکان، خانه‌داری و بهداشت عمومی و فردی را یاد بدهند تا از این طریق به عقل و کمالات دست یابند (ملانصرالدین، س ۴، ش ۳۰: ۵-۶).

به نظر می‌رسید تا زمانی که زنان در جهل و بی‌خبری باشند، امیدی به پیشرفت کشورهای اسلامی و رهایی از انحطاط و عقب‌ماندگی نبود؛ زیرا زنان نخستین آموزگاران کودکانشان هستند و از این منظر آموزش زنان به معنی اصلاح و توسعه جامعه بود. در این

دوره اعتقاد بر این بود که تحصیلات سبب می‌شود زنان از باورهای خرافی دست بردارند زیرا تحصیل دانش به آنان توان و قدرتی می‌بخشید تا بتوانند از رسم و رسوم اجتماعی، که فرودستی آنان را تثبیت می‌کنند، سرباز زنند (ساناساریان، ۱۳۸۴: ۷۸). بنابراین زن‌رها از قیود سنت‌های فکری جامعه سنتی می‌توانست نقش بسیار مؤثر و سازنده‌ای را در جامعه ایفا کند. مسئله‌ای که ملانصرالدین به آن تأکید داشت و در این راستا به نقد خرافه و نفوذ آن در زندگی زنان و لزوم نوزایی در اندیشه آنان تأکید نمود.

**جدول ۱-** توزیع فراوانی براساس مطالب مربوط به زنان، مندرج در روزنامه ملانصرالدین

فرآوانی	نوع مطالب مندرج
۱۰۶	مقاله و یادداشت‌ها
۱۴۷	کاریکاتور
۱۴	اشعار

براساس جدول فوق، کاریکاتورها حجم زیادی از ملانصرالدین را به خود اختصاص داده است. کاریکاتورها برای ملانصرالدین جنبه ابزاری و اهمیت بسیار زیادی داشتند چرا که از طریق آن می‌توانست اهداف و نیات خود را در دسترس عامه مردم به‌عنوان مخاطبان اصلی، که اکثراً بی‌سواد و کم‌سواد بودند، قرار دهد و در درجه بعد مقالات و یادداشت‌ها قرار دارند. اشعار درصد خیلی کمی از روزنامه را به خود اختصاص داده است. انتقاد از وضعیت سنتی زنان در جوامع اسلامی و عقب‌ماندگی آنان به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم مورد توجه ملانصرالدین بود. بدین علت ملانصرالدین از طریق مقالات، کاریکاتور و اشعار با طرح لزوم تغییر جایگاه فردی و اجتماعی زنان، اعطای مساوات و آزادی از طریق قانون به زنان به همراه حق آموزش و حق انتخاب آزاد زنان در تمامی امور به‌خصوص در مورد ازدواج و طلاق و حق مالکیت و مقابله با اعمال هرگونه خشونت علیه زنان به دفاع تمام‌عیار از حقوق زنان در کشورهای اسلامی پرداخت.

## جدول ۲- مطالب دفاع از حقوق زنان

اشعار	کاریکاتورها	سرمقاله و یادداشت‌ها	ساختار مطالب روزنامه درباره دفاع از حقوق زنان
		فراوانی	
فراوانی	فراوانی	فراوانی	
۱	۸	۱۱	آموزش زنان
۵	۱۴	۱۹	جایگاه فردی و اجتماعی زنان
۱	۸	۱۴	چندهمسری
۴	۱۲	۱۱	کودک‌همسری
-	۸۸	۱	خشونت علیه زنان
۲	۵	۳۰	مساوات و آزادی زنان (حق انتخاب، حق طلاق، حق مالکیت و...)
-	-	۲	حق رأی زنان

## جدول ۳- نقد فرهنگ خرافی حاکم بر زنان

اشعار	کاریکاتور	مقاله و یادداشت	مطالب مربوط به نقد زنان
		فراوانی	
فراوانی	فراوانی	فراوانی	
۱	۱۲	۱۹	خرافه پرستی و ناآگاهی زنان

زنان به عنوان حاملان اصلی باورهای خرافی مورد انتقاد ملانصرالدین قرار می‌گیرند. عدم عقلانیت زنان به عنوان یکی از مؤلفه‌های عقب‌ماندگی جوامع اسلامی مطرح بود. بنابراین از منظر ملانصرالدین لزوم نوزایی اندیشه در زنان امری حیاتی بود.

## نتیجه‌گیری

ملانصرالدین رهیافتی منتقدانه نسبت به مسائل زنان داشت و مبارزه برای احقاق حقوق زنان را از راه قلم آغاز کرد. در مقایسه با غرب، زنان جهان اسلام از لحاظ حقوقی و سیاسی وضعیت مطلوبی نداشتند. آزادی زنان را ساختارهای مردسالارانه و خرافه و تعصباتی که

رنگ دینی به خود گرفته بود تهدید می‌کرد و این امر در تضاد با مدرنیته مورد نظر ملانصرالدین بود که در آن زنان از وضعیت برابر با مردان در سطوح مختلف برخوردار بودند. بدین علت باید موانع این‌چنینی در راستای مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان و دستیابی به تجدد برداشته می‌شد. ملانصرالدین مقالات مهم و متعددی درباره زنان و مشکلات آنان به چاپ رسانید که نسبت به زمانه خود قابل توجه می‌نماید. به طوری که ابتدا از ضرورت تحصیل زنان و لزوم آموزش آنان سخن به میان آورد و مبارزه با خرافات را سرلوحه کار خود قرار داد. در ادامه با تشریح وضع زنان در دیگر کشورها و مقایسه آن با زنان مسلمان، به شکل جسورانه‌ای لزوم تساوی حقوقی و اجتماعی زن و مرد در جوامع اسلامی را مطرح کرد. ملانصرالدین با طرح مباحث مدرنی چون لزوم آموزش زنان، حق انتخاب آزادانه همسر، اعطای حق طلاق و حق رأی به زنان، جامعه به‌ویژه زنان را به‌طور محسوسی با این‌گونه مباحث آشنا کرد. این روزنامه روابط جنسیتی مسلط و ارزش‌های حاکم بر افکار عمومی درباره زنان را، که در بعضی از مواقع هنوز به قوت خود باقی است، بازتاب داد و تلاش نمود با به چالش کشیدن تفکر سنتی رایج، جامعه را به بازاندیشی درباره زنان و حقوق آنان مجاب نماید. به نظر می‌رسد ملانصرالدین پیش‌فرض‌های موجود درباره زنان را در تضاد با تحقق مدرنیته می‌دید، از این رو با طرح و بسترسازی تدریجی از طریق نقد فرهنگ سنتی حاکم بر زنان و ارائه تفسیرها و قرائت‌های جدید از متون مذهبی به دنبال وصول به هدف اصلی خود یعنی مدرن‌سازی جوامع اسلامی بود. همچنین تأکید داشت اگر قرار است روزی در جوامع اسلامی حقوق زنان رعایت شود باید در قانون اساسی آن کشورها به آن تصریح شده باشد تا از این طریق حقوق ضایع‌شده زنان به آنان بازگردانده شود.

## منابع و مأخذ

- ملانصرالدین (۱۳۲۴). س ۱، ش ۱۹.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۲۴). س ۱، ش ۲۳.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۲۴). س ۱، ش ۲۸.

\_\_\_\_\_ (۱۳۲۴). س ۱. ش ۲۹.

\_\_\_\_\_ (۱۳۲۴). س ۱. ش ۳۲.

\_\_\_\_\_ (۱۳۲۵). س ۲. ش ۳.

\_\_\_\_\_ (۱۳۲۵). س ۲. ش ۶.

\_\_\_\_\_ (۱۳۲۵). س ۲. ش ۱۰.

\_\_\_\_\_ (۱۳۲۵). س ۲. ش ۱۷.

\_\_\_\_\_ (۱۳۲۵). س ۲. ش ۱۸.

\_\_\_\_\_ (۱۳۲۵). س ۲. ش ۱۹.

\_\_\_\_\_ (۱۳۲۵). س ۲. ش ۲۴.

\_\_\_\_\_ (۱۳۲۵). س ۲. ش ۲۵.

\_\_\_\_\_ (۱۳۲۵). س ۲. ش ۲۷.

\_\_\_\_\_ (۱۳۲۵). س ۲. ش ۳۰.

\_\_\_\_\_ (۱۳۲۵). س ۲. ش ۳۳.

\_\_\_\_\_ (۱۳۲۵). س ۲. ش ۳۵.

\_\_\_\_\_ (۱۳۲۵). س ۲. ش ۳۷.

\_\_\_\_\_ (۱۳۲۵). س ۲. شماره ۴۵.

\_\_\_\_\_ (۱۳۲۵). س ۳. ش ۳.

\_\_\_\_\_ (۱۳۲۶). س ۳. ش ۴.

\_\_\_\_\_ (۱۳۲۶). س ۳. ش ۵.

\_\_\_\_\_ (۱۳۲۶). س ۳. ش ۸.

\_\_\_\_\_ (۱۳۲۶). س ۳. ش ۹.

\_\_\_\_\_ (۱۳۲۶). س ۳. ش ۱۰.





\_\_\_\_\_ (۱۳۲۶). س ۳. ش ۱۴. -

\_\_\_\_\_ (۱۳۲۶). س ۳. ش ۱۶. -

\_\_\_\_\_ (۱۳۲۶).. س ۳. ش ۱۷. -

\_\_\_\_\_ (۱۳۲۶). س ۳. ش ۲۰. -

\_\_\_\_\_ (۱۳۲۶). س ۳. ش ۳۰. -

\_\_\_\_\_ (۱۳۲۶). س ۳. ش ۳۶. -

\_\_\_\_\_ (۱۳۲۶). س ۳. ش ۵۲. -

\_\_\_\_\_ (۱۳۲۷). س ۴. ش ۶. -

\_\_\_\_\_ (۱۳۲۷). س ۴. ش ۱۳. -

\_\_\_\_\_ (۱۳۲۷). س ۴. ش ۱۵. -

\_\_\_\_\_ (۱۳۲۷). س ۴. ش ۱۸. -

\_\_\_\_\_ (۱۳۲۷). س ۴. ش ۲۸. -

\_\_\_\_\_ (۱۳۲۷). س ۴. ش ۳۰. -

\_\_\_\_\_ (۱۳۲۷). س ۴. ش ۳۱. -

\_\_\_\_\_ (۱۳۲۷). س ۴. ش ۴۰. -

\_\_\_\_\_ (۱۳۲۷). س ۴. ش ۴۲. -

\_\_\_\_\_ (۱۳۲۷). س ۴. ش ۴۳. -

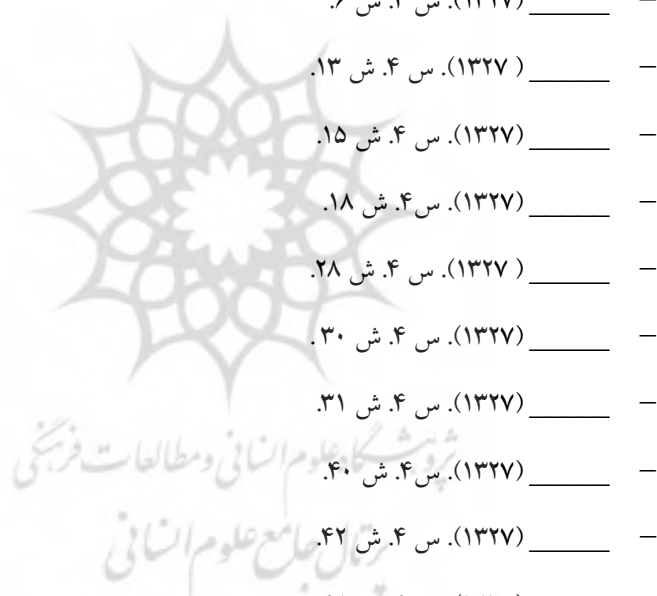
\_\_\_\_\_ (۱۳۲۷). س ۴. ش ۴۵. -

\_\_\_\_\_ (۱۳۲۷). س ۴. ش ۴۴. -

\_\_\_\_\_ (۱۳۲۷). س ۴. ش ۴۸. -

\_\_\_\_\_ (۱۳۲۸). س ۵، ش ۳. -

\_\_\_\_\_ (۱۳۲۸). س ۵. ش ۴. -



- \_\_\_\_\_ (۱۳۲۸). س ۵. ش ۱۲. -
- \_\_\_\_\_ (۱۳۲۸). س ۵. ش ۱۹. -
- \_\_\_\_\_ (۱۳۲۸). س ۵. ش ۲۰. -
- \_\_\_\_\_ (۱۳۲۸). س ۵. ش ۲۱. -
- \_\_\_\_\_ (۱۳۲۸). س ۵. ش ۲۷. -
- \_\_\_\_\_ (۱۳۲۸). س ۵. ش ۲۸. -
- \_\_\_\_\_ (۱۳۲۸). س ۵. ش ۳۱. -
- \_\_\_\_\_ (۱۳۲۸). س ۵. ش ۳۷. -
- \_\_\_\_\_ آخوندف، ناظم (۱۳۵۸). آذربایجان طنز روزنامه‌لری. تهران: نشر فرزانه.
- \_\_\_\_\_ آفاری، زانت (۱۳۷۷). **انجمن‌های نیمه سری زنان در نهضت مشروطه**. ترجمه جواد یوسفیان. تهران: نشر بانو.
- \_\_\_\_\_ آفاری، زانت. (۱۳۸۰). **انقلاب مشروطه ایران**. ترجمه حیدر رضائی. تهران: انتشارات بیستون.
- \_\_\_\_\_ آراین‌پور، یحیی (۱۳۵۰). **از صبا تا نیما**. جلد ۲. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- \_\_\_\_\_ ترابی فارسانی، سهیلا (۱۳۸۸). «تکاپوی زنان عصر قاجار: جهان سنت و گذار از آن». فصلنامه علمی پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهرا. س ۱۹. ش ۲.
- \_\_\_\_\_ توکلی طرقي، محمد (۱۳۸۲). **تجدد بومی و بازاندیشی تاریخ**. تهران: نشر تاریخ ایران.
- \_\_\_\_\_ خسروپناه، محمدحسین (۱۳۸۲). **هدف‌ها و مبارزه زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا سلطنت پهلوی**. تهران: نشر پیام امروز.
- \_\_\_\_\_ ساناساریان، الیزا (۱۳۸۴). **جنبش حقوق زنان در ایران**. ترجمه نوشین احمدی خراسانی. تهران: اختران.

- عاملی رضایی، مریم. (۱۳۸۹). **سفر دانه به گل سیر تحول جایگاه زن در نشر دوره قاجار**. تهران: نشر تاریخ ایران.
- کرمانی، ناظم‌الاسلام (۱۳۶۳). **تاریخ بیداری ایرانیان**. تهران: نشر امیر کبیر.
- کسروی، احمد (۱۳۵۳). **تاریخ مشروطه ایران**. تهران: امیر کبیر.
- میر هادی، منیرالسادات (۱۳۹۳). **تأثیر مدارس دخترانه در توسعه اجتماعی زنان در ایران**. تهران: انتشارات کویر.
- نجم‌آبادی، افسانه (۱۳۸۴). «نقش زن بر متن مشروطه». تلخیص نوشین طریقی. **زنان**. ش ۱۳۴.
- وطن‌دوست، غلامرضا و دیگران (۱۳۸۵). **زن ایرانی در نشریات مشروطه**. تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- \_ Klyashtorina, (1960). " the journa molla nasreddin and its influence on political satire in revolutionary Persia 1905-11", **central Asian review**.
- \_ adiguzel, sedat (2007) . " Tiflis edabi muhitinde molla nasreddin dergisi ve dergide tartisilan konular".bilig.

## پیوست تصاویر





